بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها (۱) - 26 /بهمن/ 1398

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین. اللهمّ صلّ علی فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها و السّرّ المستودع فیها.

خیلی خوش‌آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، جامعه‌ی اثرگذار و تعیین‌کننده‌ی مدّاحان اهل‌بیت (علیهم السّلام)! هم شما اثرگذارید، هم در یک شرایطی رفتار شما، گفتار شما، برنامه‌های شما تعیین‌کننده است. امروز هم خیلی بهره بردیم و جدّاً، عمیقاً تشکر میکنم از قاری محترم، از اجراکنندگان محترم، مدّاحان محترم، شاعر محترم، مجری محترم ؛ جلسه‌ی بسیار خوبی بود و حدّاکثر استفاده را کردیم.

خب، جامعه‌ی مدّاح یک کار بزرگی بر عهده دارد و آن عبارت است از مدیریّت شادی و عزای جامعه ؛ شما در حقیقت شادی‌های معنوی و عزاهای اساسی و قلبی و عمیق را مدیریّت میکنید، جهت میدهید، هدایت میکنید. آن جوامعی که این وضعیّت را ندارند، این مجالس را ندارند، این گریه‌ها را، این شادی‌ها را ندارند، این خلأ را احساس میکنند و بنده اطّلاع دارم یک جوری میخواهند این خلأ را درست کنند، پُر کنند و نمیشود ؛ این کار شما است. سنّت این کار هم مربوط به امروز و دیروز نیست ؛ از زمان ائمّه (علیهم السّلام) است. اینکه شما می‌بینید دعبل را یا امثال این بزرگواران را این جور تشویق میکنند، تحریص میکنند، پای شعرشان می‌نشینند، آنها را وادار میکنند به ادامه‌ی این کار، این همین کاری است که امروز شما دارید میکنید ؛ کاری که امروز اینجا دوستان ما نمونه‌اش را نشان دادند.

از بعد از حادثه‌ی کربلا عزاداری شهدا یک کار رایجی شد که عزاداری کنند برای شهیدان و ائمّه (علیهم السّلام) این را ترویج میکردند که تا امروز هم باقی مانده. و برخلاف آنچه بعضی تصوّر میکردند -در یک برهه‌ای یک گرایشات روشنفکرانه‌ای در بعضی بود که [عزاداری،] گریه‌ی ضعف و مانند این چیزها است- گریه‌ی در مجالس شهیدان، گریه‌ی ضعف نیست، گریه‌ی اراده است، گریه‌ی عزم است، گریه‌ی تبیین احساسات عالی یک انسانِ وسطِ میدان است. عزاداریِ شهدا امروز همین جور است ؛ امروز تشییع جنازه‌ی شهدا، مجلس عزای شهیدان، تکرار نام شهیدان، عزا است، گریه هم در آن هست، امّا وسیله‌ای برای احساس عزّت، احساس قدرت و احساس شجاعت است. [در تشییع] همین شهید عزیز اخیرمان، شما ببینید چه اتّفاقی در سرتاسر کشور افتاد ؛ نه فقط کشور ما، در بیرون از این کشور هم [تجلیل] این شهدای عزیز اخیر -شهید سلیمانی و ابومهدی مهندس و دیگران- چه حادثه‌ی عظیمی را به وجود آورد! جهت‌یابی و جهت‌دهی مجالس عزا به این معنا است ؛ یعنی شماها مجالس عزا را و عزاهای مردم را در آن جهتی که مورد نظر ائمّه (علیهم السّلام) است و مورد نیاز جامعه است میتوانید هدایت کنید و پیش ببرید.

امروز نیاز مهمّ کشور ما این است که جوانهای ما مجهّز بشوند به انواع تسلیحات نرم، سلاحهای جنگ نرم ؛ یعنی قدرت روحی و قدرت فکری. بنده مکرّر در مورد قوی شدن کشور مطالبی را عرض کرده‌ام ؛ یکی از اجزا و بخشهای مهم و تعیین‌کننده‌ی تقویت کشور همین است که ما جوانهایمان را مجهّز کنیم، مسلّح کنیم به سلاح فکر و سلاح تفکر صحیح که در معارف اهل‌بیت (علیهم السّلام) موج میزند، در معارف فاطمی موج میزند که من حالا بعد یک نمونه‌ی کوچکی را عرض خواهم کرد.

نسل جوانی که ما امیدهایمان را به آن دوخته‌ایم -[چون] آینده‌ی این کشور دست شما جوانها است، امید به جوانها است- بایستی پولادین، محکم، با عزم، با بصیرت بداند که چه کار میخواهد بکند، به کجا میخواهد برسد و چگونه باید این راه را طی کند ؛ این احتیاج دارد به معارف اهل‌بیت، این سلاح مصونیّت‌بخش جامعه و نظام اسلامی و اسلام و مسلمین است ؛ پس نیاز داریم به احیای معارف اهل‌بیت (علیهم السلام).

و من این را به شما برادران عزیز که جامعه‌ی مدّاحی را تشکیل داده‌اید و نقش‌آفرینی میکنید عرض بکنم که این مسئولیّت، مسئولیّت مهمّی است ؛ اگر به مسئولیّت هدایت به همین شکلی که عرض شد، عمل نکنیم، مسئولیم پیش خدای متعال ؛ یعنی وقتی یک وظیفه‌ای متوجّه ما شد، آن وظیفه را باید عمل کنیم ؛ اگر عمل نکنیم خدای متعال به خشم می‌آید. ببینید یک نمونه در قرآن حضرت یونس، پیغمبر بزرگوار الهی [است که] از قوم خودش قهر کرد ؛ از نظر ما کار بی‌منطقی هم نکرد، سالها دعوت کرده بود اینها را به هدایت و اینها روی کفر و ضلالت پافشاری کرده بودند ؛ دیگر این آدم چه کار کند؟ قهر کرد و [از میان آنها] بیرون آمد، امّا در منطق الهی نباید قهر میکرد ؛ وَذَا النّونِ اِذ ذَهَبَ مُغاضِبًا فَظَنَّ اَن لَن نَقدِرَ عَلَیه ؛ (۲) خیال کرد ما بر او سخت نخواهیم گرفت ؛ فَنادیٰ فِی الظُّلُمٰتِ اَن لا اِلٰهَ اِلا اَنت ؛ (۳) خدای متعال او را دچار آن حادثه‌ی عجیب کرد که اگر چنانچه این ذکر را نمیگفت، این توسّل را نمیکرد، لَلَبِثَ فی بَطنِهِ اِلیٰ یَومِ یُبعَثون ؛ (۴) تا قیامت آنجا بنا بود بماند ؛ ببینید! او چون پیغمبر است مجازاتش سنگین‌تر از دیگران است. اگر مسئولیّتی داشتیم و عمل نکردیم، خدای متعال با ما برخورد میکند ؛ فَظَنَّ اَن لَن نَقدِرَ عَلَیه، (۵)خیال میکند که ما بر او سخت نخواهیم گرفت ؛ نه، سخت میگیریم ؛ خداوند سخت میگیرد. اگر شاعرید، اگر مدّاحید، اگر گوینده‌اید، اگر واعظید، هر چه معرفت شما بالاتر و بیشتر است، هر چه رتبه‌ی معنوی شما بالاتر است، در بارگاه عدل الهی و در محضر حق، توقّع از شما بیشتر و بالاتر است ؛ این را همیشه باید به یاد داشته باشیم ؛ از خدا هم باید کمک بخواهیم.

اگر حالا انتقال معارف اهل‌بیت در مجالس روضه‌خوانی و مجالس هیئتها و مانند اینها تحقّق پیدا بکند، این یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. امروز هم که شما ملاحظه میکنید کشور شما، جامعه‌ی شما، زیر فشارهای گوناگون تاب‌آوری حیرت‌انگیزی دارد، ما حرفهای اینها را میخوانیم، می‌بینیم، می‌شنویم. تاب‌آوری ملّت ایران برای ناظران جهانی حیرت‌انگیز است ؛ تعجّب میکنند. این فشاری که غول وحشی آمریکایی وارد میکند، ملّتها[ی دیگر] طاقت یک‌پنجم این و یک‌چهارم این را هم ندارند، امّا ملّت ایران محکم ایستاده ؛ این بیست‌ودوّم بهمنش و قبل از آن [هم] تشییع جنازه‌ی سردار آسمانی‌اش ؛ اصلاً همه را متحیّر میکند که این چه ملّت مقاومی است. این به برکت همین معارف اهل‌بیت است، به برکت همین مجالس و محافل است، به برکت نام و یاد حسین‌بن‌علی و به برکت نام و یاد فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.

یکی از چیزهایی که در این مجالس باید حتماً به فضل الهی دنبال بشود، مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی است ؛ من میخواهم خواهش کنم که برادران عزیز در مطالعات خودشان، در پیگیری‌های خودشان روی مسئله‌ی سبک زندگی ائمّه (علیهم السّلام) و سبک زندگی اسلامی کار کنند ؛ شعرای متعهّد و برجسته‌ی ما -که امروز نمونه‌ی کارهایشان را اینجا شنیدید- این را به هنر شعر مزیّن کنند و در مجالس خوانده بشود تا فرهنگ‌سازی بشود. اگر بخواهیم سبک زندگی را به صورت درست در مقابل موج جبهه‌ی دشمن به حالت اسلامی برگردانیم، راهش این است ؛ یعنی فرهنگ‌سازی باید بشود. ببینید شما در دعا میگویید: اللّهُمَّ اجعَل مَحیایَ مَحیا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد وَ مَماتی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد ؛ (۶) خب محیا یعنی چه؟ محیا یعنی زندگی من را شبیه زندگی آنها قرار بده ؛ یعنی سبک زندگی ؛ ما این را میخواهیم ؛ این را از ما خواسته‌اند که بگوییم و بخواهیم و انجام بدهیم. این مسئله‌ی سبک زندگی باید دنبال بشود.

دشمن متأسّفانه با استفاده‌ی از ضعف و خیانت سران وابستهِی نظامهای اسلامی، از جمله در کشور ما در طول سالهای پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی‌مبالاتی مشاهده میکنیم، اگر اسراف مشاهده میکنیم، اگر مشکلات گوناگون را در داخل کشور مشاهده میکنیم، این به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ‌سازی بشود. فرهنگ‌سازی به این وسیله انجام میگیرد و شما بهترین کسانی هستید که میتوانید در میان مردم فرهنگ‌سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید.

در این دعاهایی که در اختیار ما است -دعاهای مأثور، این دعاهایی که از ائمّه رسیده به ما- تضرّع هست، توجّه هست، حال و اُنس و صفا و گریه هست، اینها به جای خود محفوظ ؛ امّا علاوه‌ی بر اینها، این دعاها درس است ؛ یعنی یک فکری را در ذهن انسان بیدار میکند، یک اندیشه‌ی تازه‌ای به انسان میدهد. وقتی شما در دعا میخوانید: اللهمّ اَغنِنی عَن هِبَةِ الوَهّابینَ بِهِبَتِکَ وَ اکفِنی وَحشَةَ القاطِعینَ بِصِلَتِک، یعنی چه؟ یعنی اگر همه‌ی دنیا هم با شما قطع کردند، به خدا اگر متّصل باشید، وحشتی ندارید ؛ حَتّی لا اَرغَبَ اِلی اَحَدٍ مَعَ بَذلِکَ وَ لا اَستَوحِشَ مِن اَحَدٍ مَعَ فَضلِک ؛ (۷) این درس است، این یک فکری به ما میدهد، این یک تحلیل به ما میدهد از آینده‌ی زندگی‌مان که برنامه‌ریزی کنیم، به خدا متّصل باشیم، مرتبط باشیم، از قطع [ارتباط] دیگران، از دشمنی دیگران هراس نداشته باشیم ؛ و این اتّفاقی است که در صدر اسلام هم افتاده، امروز هم ملاحظه میکنید که این اتّفاق افتاده. اگر روز اوّل انقلاب کسانی میگفتند که این جامعه‌ی اسلامی، انقلاب اسلامی، میتواند از لحاظ رتبه‌ی علمی و رتبه‌ی فتّاوری و رتبه‌ی سیاسی و رتبه‌ی نفوذ منطقه‌ای و مانند اینها به اینجا برسد، حتماً هیچ کس باور نمیکرد ؛ امّا شده ؛ به خاطر اینکه شما به خدا متّکی بودید و کار کردید. البتّه اتّکاء به خدا معلوم است که به معنای بیکاری و بیکارگی نیست.

خب، حالا [درباره‌ی] حضرت زهرا (سلام الله علیها) ؛ مقامات معنوی ایشان که خب خیلی بالاتر از مبلغ تفکر ما و تفکر معمولی انسانها است ؛ بله، اهل‌الله و خواص، در عالَم معنا یک چیزهایی را درک میکنند، [ولی] ماها خب انصافاً بیگانه هستیم و آن مقامات قدسی را، آن «وَ السِرّ المُستَودَعِ فیها» (۸) را نمیفهمیم، واقعاً نمیتوانیم درک بکنیم لکن رفتارهای معمولی زندگی را می‌بینیم، مشاهده میکنیم، استفاده میکنیم، درس میگیریم ؛ خب، آن چیزی که از این بزرگوار شایع و رایج است در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ی ایستادگی در مقابل باطل برای اثبات حق، دفاع از ولایت، چیزهایی است که مشاهده میشود و تکرار هم میشود ؛ لکن یک بخش دیگری از رفتار این بزرگوار و از معارف فاطمی، مسئله‌ی کمک به دیگران است که من میخواهم امروز روی این همبستگی اجتماعی و کمک به دیگران یک چند جمله‌ای عرض بکنم. وقتی [فرزند ایشان] میپرسد که مادر [چرا] شما در حال دعا و تضرّع فقط برای دیگران دعا کردی؟ جواب می‌شنود که «یا بُنَیَّ الجارَ ثُمَّ الدّار» ؛ (۹) اوّل همسایه، بعد خودمان ؛ این یک درس است، این یک راه است، این یک مسئولیّت اجتماعی را به ما یادآوری میکند. یا در قضیّه‌ی مسکین و یتیم و اسیر که خدای متعال در سوره‌ی هل‌اتیٰ این جور با عظمت از این حادثه یاد میکند که هفده هجده آیه حول و حوش این حادثه است ؛ حادثه این قدر مهم است. وَ یُطعِمونَ الطَّعامَ عَلیٰ حُبِّه! مِسکینًا وَ یَتیمًا وَاَسیرًا * اِنَّما نُطعِمُکُم لِوَجهِ الله ؛ (۱۰) این حادثه، یک حادثه‌ی نمادین است ؛ بله، آنجا این بزرگوارها بر گرسنگی خودشان و همه‌ی اعضای خانواده‌شان صبر کردند و به یتیم و مسکین و اسیر کمک کردند، عملاً این اتّفاق افتاد، امّا این نمادین است ؛ خب حضرت زهرا میتوانست آنجا بگوید که بروید مسجد پیغمبر، آنجا حکومت اسلامی است دیگر -حالا هم بعضی‌ها میگویند که چرا گداپروری میکنید، خب حکومت اسلامی است و باید انجام بدهد- نه، وظیفه‌ی حکومت، وظیفه‌ی جامعه را نفی نمیکند. انسانها در جامعه موظّفند که به معنای واقعی کلمه به یکدیگر کمک بکنند ؛ هم کمک مالی، هم کمک فکری، هم کمک آبرویی، انواع و اقسام کمکها باید در جامعه شکل بگیرد ؛ این درس فاطمی است، این معرفت فاطمی است.

امروز یکی از مشکلات جامعه‌ی ما مسئله‌ی جوانها: مسئله‌ی اشتغال جوانها، ازدواج جوانها. دختران و پسران جوان فراوان، [امّا] ازدواج دشوار و گاهی ناممکن است. خب باید کمک کنند ؛ باید افراد در این زمینه‌ها کار کنند، تلاش کنند، باید فرهنگ‌سازی بشود. وقتی با تبلیغات چندجانبه و همه‌جانبه روی فرزندآوری کمتر تبلیغ میشود، میرسیم به وضعیّت فعلی که آدمهای وارد، هشدار میدهند نسبت به بیست سال دیگر، سی سال دیگر، از لحاظ پیر شدن کشور، پیر شدن جامعه. جامعه‌ی پیر نمیتواند به آن قلّه‌ها برسد ؛ همه‌ی پیشرفتهای ما تا امروز به برکت حضور جوانها بوده. بنده گفته‌ام که پیرها بلاشک نقش ایفا میکنند، امّا موتور، جوانهایند. اگر این جامعه محروم بماند از یک جمعیّت قابلِ جوان، دشمن بر این جامعه مسلّط خواهد شد. خب این فرهنگ‌سازی لازم دارد ؛ فرهنگ‌سازی دست شما است. تشکیل خانواده فرهنگ‌سازی میخواهد، ازدواج آسان فرهنگ‌سازی میخواهد، سخت‌گیری نکردن در امر ازدواج فرهنگ‌سازی لازم دارد ؛ این فرهنگ‌سازی از شما برمی‌آید، این کار شما است. جامعه‌ی مدّاح خیلی کار میتواند انجام بدهد.

یکی از معارف، ایستادگی و تسلیم نشدن در مقابل زورگو است. امروز خیلی از این شعرهای آقایان ناظر به همین قضیّه بود و کاملاً درست و متین بود. انگیزه‌ی شدید و قوی‌ای وجود دارد برای اینکه ملّت ایران را قانع کنند که آقا باید کوتاه بیایید. رادیوهای دنیا، وسایل ارتباط‌جمعی در دنیا، رسانه‌های دشمن، مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و جمعیّت‌های فکری نشسته‌اند طرّاحی میکنند برای اینکه ملّت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیایید و چاره‌ای هم نیست. خب ملّت ما بحمدالله ایستاده، امّا بایستی نیروی معنوی را پی‌درپی تزریق کرد، نیروی معنوی را پی‌درپی باید زنده کرد ؛ این یکی از معارف است. در همین دعای صحیفه‌ی سجّادیّه [آمده:] وَ لا تجعَل لِفاجِرٍ وَ لا کافِرٍ عَلَیَّ ... یَدًا ؛ (۱۱) یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم ؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا میخواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد.

بحمدالله روح حماسه در کشور ما زنده است. در همه‌ی قضایایی که نیاز به حضور حماسی مردم و حضور پُرشور مردم احساس میشده است، مردم به معنای واقعی کلمه با همان شور و با همان حماسه وارد میدان شده‌اند. این شور و معنویّت و احساس باید عمق پیدا کند، بخصوص در جوانها ؛ بایستی به معنای یک فرهنگ کامل، ذهنها را قانع کند. این با فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر است و این کار، کار شما است، کار جامعه‌ی مدّاح است. بنده وقتی نگاه میکنم به سطح جامعه‌ی خودمان، میبینم که حقّاً و انصافاً مدّاحانِ مؤمن، انقلابی، شجاع، در سطح کشور دارند کار انجام میدهند و اثرگذاری میکنند ؛ سعی بشود همه‌ی جوامعِ مدّاحی این جور باشد ؛ شعرهایی که خوانده میشود، اجرائی که انجام میگیرد، این جماعت جوانی که معمولاً در این اجتماعات حضور دارند، اینها به معنای واقعی کلمه برخوردار بشوند از معنویّت، از معرفت، از بصیرت و با دست پُر برخیزند.

الحمدالله جنسِ حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و جمهوری اسلامی جنسِ جوری است ؛ سردار نظامیِ خوب داریم، مردان علمی جوانِ پُرانگیزه و خوب داریم، فرهنگ‌سازانِ پُرهمّت و باغیرت و هنرمندِ بسیار خوب داریم، مردمِ آماده‌به‌کار و حاضربه‌کار در همه‌ی میدانها هم داریم که هر جایی که اسلام و حکومت اسلامی و نظام اسلامی نیاز داشته باشد، زن و مرد آماده هستند و حضور پیدا میکنند ؛ این جنسِ جور جمهوری اسلامی به فضل و لطف الهی است و آن طوری که بنده احساس میکنم، یعنی در واقع میبینم، مشاهده میکنم، مطمئناً پیروزی قطعی و نهایی بر جبهه‌ی وسیع دشمن متعلّق به ملّت ایران است.

در پایان عرایضم تأکید میکنم به برادران عزیز مدّاح ــ و اگر خواهرانی در این صراط مشغول کار هستند ــ که این همیشه در نظر شریف و در ذهنتان باشد که شما فرهنگ‌سازید، باید فرهنگ‌سازی بکنید. باید کاری بکنید که یک

فکر درست، یک کار لازم به صورت واضح در ذهن مردم، در دل مردم منعکس بشود و پایدار بماند ؛ این کار، بزرگ‌ترین عبادت است، بزرگ‌ترین صدقه است و ان‌شاءالله خدای متعال شما را کمک خواهد کرد.

پروردگارا! به حقّ فاطمه‌ی زهرا ما را فاطمی زنده بدار و فاطمی بمیران. پروردگارا! به حقّ محمّد و آل محمّد ما را فاطمی محشور کن. پروردگارا! ملّت ایران را در همه‌ی میدانها پیروز و سربلند بفرما ؛ شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور بفرما ؛ آنچه گفتیم و آنچه شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده ؛ و مشمول لطف و رحمت و فضل خود قرار بده.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، جمعی از مدّاحان و یکی از شاعران اهل‌بیت (علیهم السّلام) به قرائت اشعار و مدایح خود پرداختند.

۲) سوره انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷

۳) سوره انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷ ؛ «... تا در دل تاریکی‌ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست ...»

۴) سوره صافات، آیه‌ی ۱۴۴

۵) سوره انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷

۶) کامل‌الزّیارات، ص ۱۷۸

۷) صحیفه‌ی سجّادیّه، دعای پنجم (با اندکی تفاوت)

۸) عوالم العلوم، ج ۱۱

۹) علل‌الشّرایع، ج ۱، ص ۱۸۲

۱۰) سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۸ و بخشی از آیه‌ی ۹ ؛ «و به [پاسِ] دوستیِ [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک میدادند. ما برای خشنودی خدا است که به شما میخورانیم ...»

۱۱) دعای بیست‌ویکم